

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۰

صفحات: ۱۷۰-۱۴۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۲/۲۷

هویت ملی و حقوق شهروندی در ایران: گفتمان دو سویه و چند سویه ملت-دولت

دکتر سیدحسین سیف زاده* / احد نوری اصل**

چکیده

همراه با تحولات ایجاد شده در نظم و نسق داخلی و محیطی فردی-جهانی شده ایران، نیاز مدنی برای چارچوبدهی مفهومی به لایه‌های هویت متکثر ایرانی، بیش از پیش محسوس شده است. به رغم این نیاز مدنی، نه نگاه وحدت‌گرای پیشینی-نظم اولیه ای (قومی-فرقه‌ای) به هویت انسانی توانسته هویت پیشامدرن ایرانی را همچون سابق پایدار نگه دارد، و نه تلاش برای جایگزین ساختن هویت ملی نوین توانسته درونی شود. پژوهش حاضر توان مدل «هویت گفتمانی» را در تحقق آرمان‌های قانون اساسی در تحقق حقوق این گروه‌ها به آزمون گذاشته است. لذا فرضیه پژوهش حاضر آنست که با مدل «هویت گفتمانی» می‌توان همپارچگی هویت ملی ایرانی را در فضای سیال نظم نوین حفظ نمود. همپارچه‌گرایی گرچه بر محور نقش آفرین نهاد ملت-دولت سامان می‌یابد، اما بر خلاف نگاه مدرنیستی، زائل‌کننده دیگر لایه‌های هویتی نیست.

کلید واژه‌ها

نظام سیاسی، حقوق شهروندی، بحران هویتی، همپارچگی، گفتمان

hseifzadeh@gmail.com

ahad.nuori@gmail.com

*استاد علوم سیاسی و عضو هیات علمی دانشگاه تهران

**کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

با بارز شدن لایه‌های چندگانه هویتی که از قبال دو گرایش بالا- به پائین (لیبرالیزه شدن) و پائین- به بالا (دموکراتیزه شدن) روابط سیاسی کشورها در فضای فردی- جهانی شده امروزین ایجاد است، آیا می‌توان با مدل «هویت گفتمانی» سیف زاده، به بسته بندی مناسب لایه‌های متنوع هویت انسانی در درون فضای هویت ملی ایرانی نائل آمد. حوادث نادری که به صورت اقدامات تروریستی در بعضی نقاط مرزی ایران اتفاق افتاده است،^۱ از ضرورت چاره اندیشی نسبت به این معضله حکایت دارد. مطالعات علمی بخشی از دانش پژوهان نشان می‌دهد که هویت ملی در ایران گهگاه دچار نوعی از هم گسیختگی شده و احتمال می‌رود در آینده وضع بدتر از این شود. چنانکه دورکیم پیش‌بینی کرده بود، به هنگام گذار از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیک، احتمال وقوع این حوادث بسیار است (دورکیم، ۱۳۵۹: ۱۸). از منظر تاریخی، بسیاری از پژوهشگران و مورخان ایرانی بین ادعای نظری دورکیم و تحولات بنیادی سیاسی در ایران، به نوعی تناظر قائلند. به ادعای این صاحب نظران، مشاهدات تاریخی حاکی از آن است که هر گاه کنترل حکومت مرکزی بر مناطق پیرامونی و بخصوص مناطق مرزی دچار ضعف شده، جریان‌ات کم رمق دوران ثبات به ادعاهای تجزیه طلبانه دامن زده‌اند. آنان از دو حادثه خروج رضاشاه و انقلاب علیه پهلوی دوم در این رابطه، سخن به میان آورده‌اند. البته که در موارد بسیار چون جنگ تحمیلی و انتخابات‌های سرنوشت ساز، شاهد گرایش‌ات میهنی چشمگیری نیز بوده‌ایم.

مشاهده این تحولات دوگانه بحران خیز- بحران زده، از وجود زخم‌های سیاسی حکایت دارد، که در صورت عدم درمان می‌تواند برای امنیت کشور تهدید کننده به حساب آید. در راستای پیشگیری از این تهدید، در مقاله حاضر، تلاش می‌شود تا توان مدل «هویت گفتمانی» در بحران زدائی از فضای زیست چند لایه هویتی در ایران، مورد آزمون قرار گیرد.

مفروضه این پژوهش این است که نظام سیاسی با داشتن یک نگاه هم‌پارچه گونه مذکور در هویت گفتمانی می‌تواند از بروز بحران هویت در کشور جلوگیری کند. با گذر از وحدت گرائی

۱- گروهک ریگی... در بلوچستان، پژاک در کردستان، گروهک تروریستی وهابی با عنوان جنبش جهاد اهل سنت در شیراز و..

بحران زا، و ایجاد فرهنگ سیاسی همپارچه گرا، دولت می‌تواند به برقراری یک گفتمان دو سویه و چند سویه بین نهاد «ملت- دولت» نائل آید. با معیار قرار دادن حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی و با عنایت به نظریات مربوط به وضعیت دوران گذار در فضای جهانی شدن، مقاله حاضر از سه گفتار زیر تشکیل می‌شود. در گفتار اول به کلیات مربوط به بحث حقوق شهروندی و هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود. در گفتار دوم، فضای زیست و ذهن ایران و نیاز به بسته‌بندی لایه‌های هویتی در هویت گفتمانی مورد بحث قرار می‌گیرد. در گفتار سوم، با تکیه بر مدل هویت گفتمانی و با گرایش در برگیرنده دیگر لایه‌های متنوع هویتی، نقش دولت در گفتمانی شدن هویت گفتمانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار اول: حقوق شهروندی، هویت ملی در بستر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

از مقایسه مفاد قانون اساسی با حقوق شهروندی، می‌توان به این نتیجه رسید که از منظر حقوقی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرفیت تامین حقوق شهروندی گروه‌ها را دارد. با وجود این وضعیت، فقدان چارچوب مفهومی نرم افزاری موجب شده است، تا اختلاف نظرها بر سر موضوع هویت موضوع اقدامات قهری، تا راه حل جویانه نرم افزاری قرار گیرد. لذا در این گفتار در ابتدا سعی می‌شود تا به مفهوم حقوق شهروندی و هویت ملی اشاره شود و سپس در بند بعدی به بستر حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد.

الف) تعریف مفاهیم

در ابتدا سعی می‌کنیم تا به مفهوم شهروند و حقوق شهروندی بپردازیم. در تعریف شهروند گفته شده که «شهروند» واژه‌ای است که در رژیم‌های دموکراتیک استفاده می‌شود و به افرادی اطلاق می‌شود، که با دولت دموکراتیک وابستگی حقوقی- سیاسی دارند و از تمام حقوق و آزادی‌های بشری، مطابق قانون اساسی و سایر قوانین ملی، برخوردارند. بدین صورت به اجمال باید گفت شهروند کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد و از آنها دفاع می‌کند، قانون را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند و از طریق آن مطالبه می‌کند، از حقوق

معینی برخوردار است. می‌داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی که در امور شهر مشارکت دارد. بر این اساس چارلز تیلی می‌گوید شهروندی می‌تواند سطحی باشد. یعنی تعاملات، حقوق و تعهدات اندکی را در سر داشته باشد یا عمیق باشد یعنی شامل بخش قابل توجهی از همه تعاملات، حقوق و تعهداتی باشد که بوسیله کارگزاران دولت و مردم تحت قلمرواش حمایت می‌شوند» (Tilly, ۱۹۹۷: ۲۲۳-۲۳۶). از طرفی مفهوم شهروند ایده‌ای مردم سالارانه است. بنابراین مردمان تحت حاکمیت نظام‌های استبدادی، نظامی، سلطنت مطلقه و... شهروند به شمار نمی‌آیند بلکه اتباع و متعلقین آن نظام هستند. (لیپست، ۱۳۸۳: ۹۵۲-۹۵۱). تفاوت میان واژه‌های «تبعه» و «شهروند» در این است که، واژه «تبعه» یا «اتباع» در رژیم‌های استبدادی مورد استفاده قرار می‌گرفت و به مردمی اطلاق می‌شد که در قلمرو دولت خویش، بدون دست داشتن به حقوق و آزادی‌های اساسی بشری (حقوق بشر) زندگی می‌کردند و تکالیف‌شان بیشتر از حقوقی بود، که در برابر دولت داشتند.

«حقوق شهروندی» حقوقی است برای شهروندان یک کشور در رابطه با موسسات عمومی مانند حقوق اساسی، حق استخدام عمیق، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق شدن. بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است (جعفری لنگرودی: ۱۳۷۰). و یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیرسیاسی (حقوق مدنی و بهره مندی‌های فردی و اجتماعی که دارای سابقه سیاسی نیستند) می‌باشد. از این رو، می‌توان گفت که «حقوق شهروندی» شامل هر سه نسل حقوق بشری که در سطح دکترین مطرح شده‌اند می‌باشند. این سه نسل شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوق همبستگی می‌باشند (کامیار، ۱۳۸۵: ۴۱).

مارشال حقوق شهروندی را در سه بعد تجزیه کرده است: (۱) بعد مدنی که شامل آزادی‌های فردی، آزادی مذهب، بیان، اندیشه و... می‌شود؛ (۲) بعد سیاسی که دربرگیرنده حق مشارکت شهروندان در اعمال قدرت سیاسی (چه در نقش دارنده قدرت سیاسی و چه در نقش رای دهنده یا تعیین کننده کسی که دارای قدرت سیاسی خواهد بود) می‌باشد و (۳) بعد اجتماعی که دامنه گسترده‌ای از حقوق حداقلی از رفاه اجتماعی و تامین اجتماعی برای شهروندان تا حق سهیم شدن در میراث اجتماعی و... را دارد (Marshall, ۱۹۹۲: ۸-۱۳).

هویت ملی مفهوم دیگری است که باید به آن پرداخت. هویت ملی در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. برخی هویت ملی را با خلق و خوی و طبیعت ثانوی، ویژگی و منش ملی مترادف و یکی می‌دانند. (اشرف، ۱۳۷۸: ۵۳۳) رزازی فر می‌گوید: «هویت ملی از نظر جامعه‌شناسی به مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می‌شود و دارای ابعاد مختلف خرده فرهنگ ملی، دینی جامعه‌ای و انسانی است و ویژگی اصلی آن قابلیت انعطاف اجزاء آن و بومی بودن ابعاد تشکیل دهنده آن می‌باشد» (رزازی فر: ۱۳۷۹).

به‌طور کلی نگارنده گان برآنند که هویت ملی نوعی احساس مشترک در مورد اصول مهم زندگی در یک واحد سرزمینی است و در صورتی که این احساس مشترک عقلانی شود درصد شکنندگی آن کمتر خواهد بود چرا که احساسی بودن باعث موقتی بودن این نوع نگاه شده و چه بسا با پیدا کردن مشترکاتی با گروه‌های دیگر این احساس شکننده شود. مثل گروه‌های گریز از مرکز که فقط به دلیل یک تفاوت نسبی زبانی تعریف دیگری از خود ملی ارائه می‌دهند.

ب) حقوق شهروندی در بستر قانون اساسی جمهوری اسلامی

اما علی (ع) می‌فرماید: از میان حقوقی که خداوند واجب ساخته، بزرگترین آنها حق والی و زمامدار بر رعیت و حق رعیت بر والی است. فریضه‌ای است که خداوند سبحان آن را بر هر کدام در مقابل دیگری مقرر فرموده و آن را سبب نظام الفت و پیوستگی آنان به یکدیگر و موجب عزت و قدرت دین آنها قرار داده است، بنابراین رعیت هرگز اصلاح نمی‌شود مگر به اصلاح زمامداران و زمامداران اصلاح نمی‌گردند جز از طریق قرار گرفتن رعیت در مسیر صحیح و مستقیم. هرگاه رعیت حق والی را ادا کند و والی حق رعیت را بپردازد، حق در میان آنها قوی و نیرومند خواهد شد. (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) و در بخش چهارم خطبه ۳۴ می‌فرماید: ای مردم! مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی: اما حق شما بر من (نخست) این است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را در راه شما به طور کامل به کار گیرم و شما را تعلیم کنم تا از جهل و نادانی رهایی یابید و شما را تربیت کنم تا فراگیرید و آگاه شوید.

و اما حق من بر شما، این است که در بیعت خویش وفادار باشید و در آشکار و نهان، خیرخواهی را (در حق من) به جا آورید و هر وقت شما را بخوانم، اجابت کنید و هر زمان به شما فرمان دهم اطاعت کنید (همان خطبه ۳۴).

۱- وظایف حکومت (قانون اساسی در ایران و حقوق گروه‌های قومی مذهبی)

حکومت مرکزی در قبال شهروندان خود همواره دارای وظایفی است که بایستی آنها را به نحوه احسنت به انجام برساند. وظایف مربوط به حقوق شهروندی را می‌توان به سه دسته حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی تقسیم کرد که مهم‌ترین این حقوق به‌طور کلی در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است.



با ملاحظه بسیاری از اصول قانون اساسی، شاید این دید کلی را بتوان به دست آورد که حقوق و آزادیهای اساسی برای کلیه شهروندان و اتباع ایرانی در نظر گرفته شده و آنان در برخورداری از این حقوق بدون توجه به وابستگی قومی، نژادی، زبانی و حتی مذهبی مساویند. در بسیاری از اصول قانون اساسی عنوان «هرکس»، «همه»، «هر ایرانی» و نظایر آن موضوع حکم قرار گرفته است. (مهر پرور، ۷۸/۹/۱۸) مثلاً اصل ۲۹ قانون اساسی برخورداری از تأمین اجتماعی را حقی همگانی می‌داند و دولت را مکلف می‌نماید خدمات و حمایت‌های مربوط به تأمین اجتماعی را برای یک فرد کشور تأمین کند.

بر طبق اصل ۳۴: دادخواهی حق مسلم هر فرد ایرانی است و هر کس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید.

در اصل ۴۱ آمده است: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید.

در اصل ۲۳ نیز آمده است: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مآخذه قرار داد.

اصل ۱۴ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: ...دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.

رعایت حقوق گروه‌های دینی: طبق قانون اساسی علاوه بر دید کلی مبنی بر تساوی و عدم تبعیض، در زمینه حفظ موجودیت و هویت و بقای آنها نیز توجه شده است. تبلور این امر در جهات زیر مشهود است:

- ۱- آزادی انجام مراسم دینی: در اصل ۱۳ قانون اساسی به آزادی انجام مراسم مذهبی تصریح شده و عملاً نیز پیروان این سه دین با داشتن کلیساها و کنیسه‌های متعدد و آتشکده‌ها به انفراد و اجتماع مراسم و آیین مذهبی خود را بپا می‌دارند گاه مراسم مذهبی آنها از سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز پخش می‌شود.
- ۲- اجرای مقررات مذهبی خویش در احوال شخصیه: طبق اصل ۱۳ قانون اساسی در مورد پیروان این سه دین رسمی، در خصوص احوال شخصیه یعنی ازدواج، طلاق، ارث و وصیت مقررات مربوط به مذاهب خودشان عمل می‌شود و حتی اگر دعوا و مسئله‌ای در دادگاه‌های ایران مطرح باشد، قاضی دادگاه طبق قواعد مسلم مذهبی آنها موضوع را فیصله می‌دهد.
- ۳- تشکیل انجمن: طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌توانند مطابق ضوابط دارای انجمن و جمعیت باشند.

هم اکنون انجمن‌ها و جمعیت‌های متعددی از اقلیت‌های دینی در سراسر کشور وجود دارند و فعالیت می‌کنند و هویت فرهنگی - مذهبی خود را حفظ می‌نمایند.

۴- داشتن نماینده در مجلس: در قانون اساسی پیش بینی شده که اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌توانند در مجلس شورای اسلامی نماینده داشته باشند و از بین همکیشان خود نماینده‌ای انتخاب نموده و به مجلس بفرستند. طبق اصل ۶۴: زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.

۲- مسائل مورد اعتراض گروه‌های قومی مذهبی

طبق اصل ۱۱۵ رییسی جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

نحوه انشاء اصل ۱۹ قانونی اساسی که می‌گوید: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و کلمه مذهب را به صراحت در کنار، رنگ، نژاد و زبان ذکر نکرده ممکن است این شبهه را ایجاد کند که مذهب می‌تواند سبب امتیاز باشد و تفاوت در مذهب مانع برخورداری از حقوق مساوی گردد. (همان). با اینکه در ادامه اصطلاح «مانند اینها» می‌توان موضوع را حل نماید اما آوردن کلمه مذهب می‌تواند جای برای شبهه باقی نگذارد.

اصل چهارم قانون اساسی و اصول متعدد دیگر نیز به تصویب قوانین بر اساس موازین اسلامی و اجرای قوانین و حدود و تعزیرات اسلامی تاکید دارند و چنانکه می‌دانیم، در مقررات رایج فقه اسلامی تفاوت‌هایی بین مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد که به نحوی در قوانین موضوعه ایران نیز انعکاس یافته است. مثلاً طبق ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی، اگر غیر مسلمانی با زن مسلمان زنا کند مجازاتش اعدام است ولو اینکه زنا عادی بوده و محصنه یا به عنف نباشد، در حالی که عکس آن، زنا مرد مسلمان با زن غیر مسلمان این حکم را نخواهد داشت.

اصل ۱۲ قانون اساسی دین رسمی را دین اسلام مذهب جعفری اثنی عشری می‌داند. از پیروان دیگر مذاهب اسلامی چون حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، زیدی به اقلیت تعبیر نشده و

در همان اصل عنوان شده که پیروان این مذاهب از احترام کامل برخوردارند، ولی پیداست که به هر حال آنها هم در برابر اکثریت شیعه مذهب، اقلیت مذهبی به حساب می آیند و اصل ۱۲ موجودیت و هویت آنها و حفظ هویت آنها را به رسمیت شناخته است و به آنها اجازه داده که در مراسم مذهبی خود و تعلیم و تربیت دینی طبق فقه خویش آزادانه عمل نمایند و در احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن نیز مقررات فقهی خودشان مجری بوده و در دادگاهها بر همین موازین عمل می شود و اما در رابطه با غیر مسلمانان، اصل سیزدهم قانون اساسی می گوید: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند.

۳- تکالیف مردم

به همان اندازه که حکومت در قبال مردم وظایفی به عهده دارند مردم نیز در مقابل حکومت دارای تکالیفی هستند که مهم ترین این تکالیف عبارتند از:

۳-۱- پرداخت مالیات

همان طور که مردم انتظار دارند تا بیت المال و بودجه دولتی در بین تمام اقشار مساوی تقسیم شود بایستی در پرداخت مالیات نیز مردم به همان میزان پیش قدم بوده و تکلیف خود را ادا نمایند. در بسیاری از مواقع ملاحظه شده است که افراد به راحتی از زیر بار مالیات دادن فرار می کنند. اما این چنین افرادی که به راحتی از دادن مالیات فرار می کنند چگونه می توانند انتظار این را داشته باشند تا حکومت مرکزی که خود برگرفته از همین ملت است با عدالت به وظایف خود در قبال تقسیم بودجه و توزیع درآمدها در جامعه بپردازد.

آمارها نشان می دهد که براساس تحقیق از ۱۴۰ کشور اجراکننده قانون مالیات بر ارزش افزوده جهان، در ۴۸ درصد کشورها نرخ مالیات بر ارزش افزوده بین ۱۵ تا ۲۰ درصد، در ۲۴ درصد کشورها بین ۱۰ تا ۱۵، در ۲۲ درصد کشورها بالای ۲۰ درصد و تنها در ۶ درصد کشورها این نرخ کمتر از ۱۰ درصد بوده که نرخ سه درصدی مالیات بر ارزش افزوده ایران در دنیا

کمترین نرخ است که آن هم شامل ۱,۵ درصد مالیات و ۱,۵ درصد عوارض به شهرداری‌ها است (رجا نیوز، کد خبر: ۶۳۴۴۷).

در بسیاری مواقع دادن مالیات از سوی مردم، این گونه برداشت می‌شود که این پول به جیب دولت خواهد رفت بنابراین تا جای که ممکن است بایستی از پرداخت آن معاف گردید. این برداشت‌های عوامانه به نظر می‌رسد ریشه‌های تاریخی داشته و ناشی از بی اعتمادی بین ملت و دولت باشد چرا که دولت خود را نیازمند گرفتن مالیات از رعیت نمی‌دانسته و رعیت دولت را به‌عنوان رقیب و یا دشمن خود برای گرفتن مالیات مشروع ندانسته. لذا وظیفه‌ای اصلی دولت در این شرایط این است که بتواند این بی اعتمادی را از بین ببرد.

۲-۳- شرکت در نظام وظیفه

همان طور که در مورد پرداخت مالیات مطرح شد در این باره نیز بسیاری از مردم خدمت نظام وظیفه را انجام نمی‌دهند. و افرادی که این کار را انجام می‌دهند نه از روی وظیفه ملی بلکه به اجبار دولت و به این دلیل که سربازی پلی است برای رسیدن به برخی امتیازات (مثل شغل‌های دولتی، گرفت گواهینامه و...) به خدمت سربازی می‌روند و لذا تا جای که مقدور باشد سعی می‌کنند از انجام این وظیفه خودداری نمایند. بخصوص زمانی که آنها بتوانند شغل آزاد برای خود دست و پا کنند. در این شرایط است که آنها خدمت سربازی را برای خود لازم نمی‌دانند. در این طور مواقع هم علت اصلی همان است که در مورد پرداخت مالیات‌ها گفته شد و وظیفه دولت اعتمادسازی بین خود و ملت است و این طور باید وانمود کند که دولت نماینده ملت و در خدمت آنها می‌باشد و نه خود را طلبکار آنها بداند.

۳-۳- مشارکت در اداره امور به‌عنوان تکلیف

باید ملاحظه کرد که در نبود مشارکت فعالانه نمی‌توان انتظار این را داشت تا امور مملکت بر اساس آنچه که می‌خواهیم اداره شود. بنابراین یکی از وظایف مهم در هر جامعه‌ای مشارکت فعالانه مردم آن کشور در اداره امور مملکت است. از دیگر نشانه‌های مشارکت در اداره مملکت میزان کار مفید در ادارات دولت توسط کارمندان ادارات می‌باشد. این کارمندان دولتی به‌عنوان

مردمی که دوست دارند دولت خدمت‌گذار آنها باشد باید دید که در انجام وظایف خود در ادارات دولتی چه مقدار وجدان کاری از خودشان نشان می‌دهند.

گفتار دوم: فضای زیستی و ذهنی ایرانیان (هویت ملی و واقعیت‌های موجود در جامعه ایرانی) الف) فضای زیستی در ایران

بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ۱۳۸۵ جمعیت کشور ایران برابر با ۷۰۴۹۵۷۸۲ نفر بوده (۵۰/۹ درصد مرد و ۴۹/۱ درصد زن) که در مقایسه با سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ۱۳۷۵ متوسط رشد سالانه جمعیت معادل ۱/۶ درصد بوده است. بیشترین جمعیت در سال ۱۳۸۵ متعلق به گروه سنی ۲۴-۲۰ سال (۱۳ درصد جمعیت) بوده است. از این میزان بدون تفکیک جمعیت اهل سنت و شیعه جمعیت کلی مسلمانان را ۷۰۰۹۷۷۴۱ نفر برآورد کرده و جمیت بقیه مذاهب به این شرح می‌باشد: زرتشتی ۱۹۸۲۳ نفر، مسیحی ۱۰۹۴۱۵ نفر، کلیمی ۹۲۵۲ نفر، سایر ۵۴۲۳۴ نفر و اظهار نشده ۲۰۵۳۱۷ نفر. نکته جالب در این آمار کاهش آمار زرتشتیان از ۲۷۹۲۰ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۱۹۸۲۳ نفر می‌باشد که می‌تواند گویای برخی واقعیت‌های نهفته باشد (مرکز آمار ایران، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری).

در سال ۱۳۸۶، متوسط هزینه‌های خالص سالانه یک خانوار شهری ۸۱/۳ میلیون ریال بوده که شامل ۶۳/۱ میلیون ریال (۷۷/۶ درصد) هزینه‌های غیرخوراکی و ۱۸/۲ میلیون ریال (۲۲/۴ درصد) هزینه‌های خوراکی و دخانی می‌باشد که به ترتیب نسبت به سال گذشته افزایشی به میزان ۲۱/۱ و ۱۹/۸ درصد را نشان می‌دهد.

در همین سال، متوسط هزینه‌های خالص سالانه یک خانوار روستایی، ۴۸/۸ میلیون ریال بوده که شامل ۳۰/۶ میلیون ریال (۶۲/۷ درصد) هزینه‌های غیر خوراکی و ۱۸/۲ میلیون ریال (۳۷/۳ درصد) هزینه‌های خوراکی و دخانی می‌باشد که به ترتیب نسبت به سال گذشته افزایشی به میزان ۱۷/۶ و ۱۷/۳ درصد را نشان می‌دهد.

این در حالی است که متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری در حدود ۷۸/۰ میلیون ریال می‌باشد که از میان منابع تأمین درآمد، درآمدهای متفرقه بیش‌ترین سهم (۴۱/۱ درصد) را به خود اختصاص می‌دهد. و متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی در حدود ۴۷/۱ میلیون

ریال می‌باشد که از میان منابع تأمین درآمد، درآمد از مشاغل آزاد بیشترین سهم (۴۳/۰ درصد) را به خود اختصاص می‌دهد (همان).

در سال ۱۳۸۶ نرخ بیکاری جمعیت فعال ۲۴-۱۵ ساله ۲۲/۳ درصد بوده است. از میان استان‌های کشور، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و کرمانشاه به ترتیب با ۱۷/۶، ۱۷/۵ و ۱۴/۷ درصد بیش‌ترین نرخ بیکاری و استان‌های آذربایجان شرقی، مازندران و خراسان شمالی به ترتیب با ۷/۱، ۷/۷ و ۷/۸ درصد کمترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند (همان).

ب) نیازهای نوین جامعه ایران

حمید احمدی در کتاب «بنیادهای هویت ملی ایران» با اشاره به چالش‌های پیش روی هویت ملی ایرانی نیازهای امروزی جامعه را در پنج دسته زیر تقسیم بندی می‌کند:

۱- نیاز به آزادی‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی و نفوذ آفرینی جامعه مدنی در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی؛

۲- نیاز به عدالت اجتماعی و اقتصادی در گستره عمومی جامعه و دسترسی برابر به فرصت و امتیازات عمومی؛

۳- نیاز به برابری و توزیع عادلانه ثروت ملی در میان بخش‌های گوناگون کشور؛

۴- نیاز به برابری جنسی و به عبارتی برابری حقوق زن و مرد؛

۵- نیاز گروه‌های قومی و مذهبی به برخورداری برابر از امتیازات ملی (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۵۰-۳۳۰).

با وجود اینکه می‌توان این پنج نیاز را از نیازهای ضروری در جامعه نوین ایران دانست. اما به نظر ما آنچه که از بین این پنج نیاز از همه مهمتر است مبحث مربوط به گروه‌هاست. چرا که سه گزینه اول نه تنها در قالب بحث در مورد گزینه پنجم به ناچار به آنها نیز پرداخته خواهد شد بلکه از نیازهای ضروری اکثر جوامع هستند و مسائل ریشه‌ای به شمار نمی‌آیند و همچنین تهدیدی علیه مهم ترین رکن در هویت ملی یعنی سرزمین نیستند. در مورد گزینه چهارم هم باید گفت که برابری جنسی نیز از اموری نیست که بتوانند برای هویت ملی ایران درد سر ساز باشند. همچنین این بحث یک موضوع ریشه‌دار تاریخی نیست که بخواهد در یک کشور شکاف خاصی ایجاد کند حداکثر فشاری که این موضوع می‌تواند در بدترین شرایط ایجاد کند فشار بر نظام سیاسی است که نظام‌های سیاسی هم با انعطاف‌پذیری می‌توانند آن را حل کنند.

اما آنچه که حائز اهمیت است و نادیده گرفتن آن می‌تواند عواقب خطرناک سرزمینی برای ایران به دنبال داشته باشد موضوع مسائل قومی است که هر از چند گاهی در ایران اوج می‌گیرد. در طول یک قرن اخیر به گواهی تاریخ در هر زمان که حکومت مرکزی در ایران تضعیف شده و یا گروه‌های فعال قومی تصور کرده‌اند دولت مرکزی قادر به کنترل آنها نخواهد بود، شاهد اختلالات قومی در مرزهای ایران بوده‌ایم که نمونه‌های از آنها را می‌توان نام برد از جمله: شورش شیخ خزعل برای جدایی خوزستان بعد از فروپاشی قاجار، شورش‌های قومی در کردستان و آذربایجان در دوران موسوم به «دموکراسی شکننده» (۱۳۳۲-۱۳۲۰) و شورش‌های قومی در کردستان و ترکمن صحرای بعد از انقلاب اسلامی. با این پیش فرض که مسائل قومی مهمترین چالش پیش روی هویت ملی در ایران است. بایستی در ادامه به فضای زیستی که این اقوام در آن قرار دارند اشاره داشت.

ج) فضای زیست اقوام و مذاهب در ایران

آنچه که در این فضا بایستی مورد مطالعه قرار گیرد مسائل مربوط به اقوام و مذاهب ایرانی است که سعی خواهد شد به اجمال به آنها اشاره شود. اما نکته آغازین برای این بحث این است که متأسفانه مرکز آمار ایران هیچ گونه آماری را که بتواند میزان دقیق اقوام ایرانی را نشان دهد ارائه نمی‌دهد و در مورد مذاهب هم تفکیک بین اهل سنت و تشیع قائل نشده است بنابراین پژوهشگران این حوزه مجبور به استفاده از منابعی می‌شوند که شاید از درجه اعتبار ساقط باشند. نکته دیگر این است که همین مساله باعث شده تا گروه‌های تجزیه طلب به شدت دست به تحریف آمار زده و هر کدام از آنها آمارهای عجیب و غریبی برای ایجاد نا امنی در داخل ارائه دهند. مثلاً در برخی از سایت‌ها وبلاگ‌های آذری زبان‌ها ملاحظه شده که آنها بعضاً آمار جمعیت ترکای ایرانی را تا نزدیک به سی و شش میلیون نفر هم اعلام کرده‌اند (مثل <http://turk.blogdoon.com/Post-۴.aspx>). لذا با وجود درست نبودن این آمار، به علت نبود آمار رسمی دولتی، نمی‌توان برای مقابله با این آمارهای نادرست اقدامی علمی انجام داد. با امید اینکه این مقاله بتواند تاثیری بر مرکز آمار ایران داشته باشد و خواسته‌های معقول پژوهشگران این حوزه را به سرانجامی نیک برساند. فضای زیستی ایرانی را با نگاه به مرکز آمار ایران و فضای زیستی اقوام ایرانی را با استفاده از آمارهای داده شده در کتاب واقعیت (Facts-book Online) و چند سایت معتبر دیگر ترسیم می‌کنیم.

هویت ملی و حقوق شهروندی در ایران؛ گفتمان دو سویه و چند سویه ملت-دولت

جدول ۱ - فضای زیست اقوام و مذاهب در ایران

ویژگی‌ها نام قوم	در صد جمعیت ^۱	زیستگاه (اکثریت)	گوشی درون قومی اختلاف مهم مذهبی و گوشی درون قومی	وجود گروه‌های گریز از مرکز	نوع گروه	کشورهای همسایه مرز باقومیت‌های ایران	کشورهای همسایه تقویت کننده گروه‌های گریز از مرکز	کشورهای تاثیرگذار در تضعیف گروه‌های گریز از مرکز	مداخلات فرا منطقه‌ای در دوران معاصر (به صورت تقریبی و کلی)	مذهب (اکثریت غالب)
فارس	۵۱	شیراز- اصفهان و...	-----	ندارد	-----	-----	-----	-----	---	تشیع
آذری	۲۴	آذربایجان شرقی و غربی، زنجان و...	-----	ندارد	ساده (با شدت بالا)	آذربایجان- ترکیه	ترکیه- آذربایجان	-----	شوروی ۲	تشیع
گیلکی- مازندرانی	۸	گیلان، مازندران و...	-----	ندارد	ساده (با شدت کم)	-----	-----	-----	---	تشیع
کرد	۷	کردستان، کرمانشاه و...	گوشی درون قومی؛ اختلافات	دارد (مذهبی و گوشی نسبتاً شدید)	مرکب	ترکیه- عراق	-----	ترکیه - عراق	انگلیس، شوروی، آمریکا ۳	تشیع / اهل سنت
عرب	۳	خوزستان	-----	ندارد	ساده باشد (نسبتاً بالا)	عراق- عربستان	عربستان - عراق	-----	انگلیس ۴	تشیع
بلوچ	۲	سیستان و بلوچستان	-----	ندارد	مرکب	پاکستان- افغانستان	-----	پاکستان افغانستان	انگلیس ۵	اهل سنت
ترکمن	۲	گلستان	-----	ندارد	مرکب	ترکمنستان	ترکمنستان	-----	شوروی	اهل
لر	۲	لرستان	-----	ندارد	ساده (باشدت کم)	-----	-----	-----	-----	تشیع
سایر	۱	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	---	-----

^۱- گروه‌های دینی مثل زرتشتی، مسیحی و کلیمی نیز با جمعیت نزدیک به ۲ درصد در درون همین اقوام قرار می‌گیرند

۱- کتاب واقعیت: <https://www.cia.gov/library/publications/the-worldfactbook/geos/ti.html>

۲- حمایت از فرقه دموکرات آذربایجان

۳- مداخلات انگلیس در تجزیه بخش‌های از کردستان در حمایت از عثمانی، حمایت شوروی از فرقه دموکرات کردستان قبل از انقلاب و دخالت‌های آمریکا بعد از انقلاب ۱۳۵۷

۴- مثلاً حمایت از شیخ خزعل

۵- مداخله در تجزیه بلوچستان شرقی از ایران

برای اینکه بتوانیم بر اساس این فضای زیستی که اقوام ایرانی در آن قرار گرفته‌اند پژوهش‌مان را پیش ببریم نمی‌توانیم همه‌ای اقوام را مورد بررسی قرار دهیم بنابراین بر اساس همین جدول گروه‌های قومی در ایران را به دو دسته گروه ساده و گروه مرکب تقسیم می‌نماییم و سپس به گروه‌های مرکب و فضای زیستی که آنها در آن قرار گرفته‌اند اشاره خواهد شد. در تعریف این نوع تقسیم‌بندی باید گفت که گروه ساده نوعی از گروه است که گروه گروه در یک جنبه مثلا از لحاظ قومی در گروه است. اما در جنبه دیگر مثل مذهب در اکثریت می‌باشد همانند وضعیت آذری‌های ایران. اما در گروه مرکب یا دائم گروه گروه از هر جهتی چه از لحاظ مذهبی و چه از لحاظ قومی و زبانی در گروه است مثل اقوام کرد اهل سنت، ترکمن‌ها و بلوچ‌ها. هرچند اگر بخواهیم فاکتور دین اسلام را در نظر بگیریم این گروه‌ها هم می‌توانند در یک جنبه در مقابل ادیان دیگر ایرانی در اکثریت قرار بگیرند. اما از آنجا که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مذهب شیعه به‌عنوان مذهب رسمی انتخاب شده است لذا در نظر گرفتن این فاکتور نمی‌تواند مشکل خاصی را حل کند و تنها صورت مساله را پاک خواهیم کرد. بنابراین در جدول زیر سعی شده تا این گروه‌ها از هم تفکیک شوند

جدول ۲- انواع گروه در ایران

گروه های قومی و مذهبی	نام قوم	مذهب	درصد جمعیت
مرکب	کردهای اهل سنت	اهل سنت	۹ درصد
	بلوچ	اهل سنت	
	ترکمن	اهل سنت	
ساده	آذری- عرب- لر گیلکی - گروه‌های کردهای شیعه	تشیع/ زرتشتی - مسیحی و کلیمی	۹۱ درصد

البته لازم است که چند نکته در مورد این تقسیم بندی بیان شود. نکته اول اینکه در بین کردها با توجه به وجود کردهای شیعه از شدت تاثیر گزاری آنها کاسته می‌شود. نکته دوم نبود کشورهای همسایه به‌عنوان حامی دو قوم کرد و بلوچ است که با زهم از شدت تاثیرگزاری منفی نیروهای گریز از مرکز کاسته می‌شود و اما نکته سوم در مورد گروه ساده آذری‌ها است، در این مورد با وجود گروه ساده بودن اما به دلیل وجود دوکشور همسایه یعنی جمهوری آذربایجان و

ترکیه و حمایت این دو کشور از گروه‌های گریز از مرکز میزان تاثیرات منفی آنها افزایش پیدا می‌کند.

اما بعد از تقسیم بندی این گروه‌ها به ساده و مرکب سعی می‌شود تا به وضویت فضای زیست گروه‌های مرکب در ایران پرداخته شود. بنابراین در جدول بعدی سعی شده تا به برخی از فاکتورهای مهم توجه شود.

جدول ۳- فضای زیست گروه‌های مرکب در ایران

اقدامات گریز از مرکزانه	میزان بیکاری ^۱	زیستگاه اصلی در ایران	درصد جمعیت در ایران	شکاف درون قومی/نوع شکاف	نوع تاثیرگذاری برای ایران	کشورهای مداخله گر همسایه	گروه‌ها
قیام اسماعیل آفاشاک در دهه ۱۹۲۰، قیام قاضی محمد، شورش‌های بعد از انقلاب	۱۸/۷ (رتبه دوم)	کردستان	۴ درصد ^۲ ۴۷ درصد از جمعیت کردهای ایران	دارد/مذهبی و گویشی با کردهای شیعه	دارای منافع مشترک با ایران (+)	ترکیه-عراق	کردهای اهل سنت
جبهه وحدت بلوچ، اقدامات تروریستی گروهک ریگی و...	۱۹/۲ (رتبه اول)	زاهدان	۲ درصد	ندارد	دارای منافع مشترک با ایران (+)	پاکستان- افغانستان	بلوچ
جنبش ترکمن به رهبری عثمان آخوندمنازعات گنبد بعد از انقلاب و...	۱۲/۷ (رتبه دهم)	گیلان	۲ درصد	ندارد	تضاد منافع با ایران (-)	ترکمنستان	ترکمن

بر اساس آمار ارائه شده از سوی سایت «کتاب واقعیت» درصد جمعیت مذاهب ایرانی به این صورت است که مسلمانان ۹۸ درصد (شیعه ۸۹ درصد و اهل سنت ۹ درصد) و دیگر مذاهب مسیحی زرتشتی یهودی و... ۲ درصد می‌باشد (کتاب واقعیت، همان). با این که سایت «کتاب واقعیت» به عنوان یک منبع بی طرف درصد جمعیت اهل سنت ایران را نزدیک به ۹

۱- ماخذ- مرکز آمار ایران، طرح اشتغال و بیکاری بهمن‌ماه ۱۳۸۲

۲- درصد کردهای اهل سنت در ایران در کتاب واقعیت‌ها اظهار نشده بنابراین با کسر ۴ درصد ترکمن‌ها و بلوچ‌ها این رقم به دست آمده و ۱ درصد باقی مانده را به صورت تخمینی متعلق به اهل سنت در بین دیگر اقوام دانسته‌ایم

درصد می‌داند اما پایگاه اطلاع رسانی کردستان جمعیت اهل سنت ایران را بالغ بر ۱۷ میلیون نفر تخمین زده است (<http://www.ahlesonatkhabarnameh.blogfa.com/post-۸.aspx>). یعنی چیزی حدود ۲۴ تا ۲۵ درصد کل جمعیت ایران. این مساله به خوبی بر نگرانی نگارنده گان از اعلام نشدن آمار دقیق گروه‌ها در کشور (که قبلاً به آن اشاره کردم) صحنه می‌گذارد. بنابراین اعلام دقیق این آمار از سوی مرکز آمار دولت می‌تواند به این ابهامات پاسخ داده و از سر درگم شدن پژوهشگران و نیز برنامه ریزان دولتی جلوگیری خواهد کرد.

گفتار سوم: هویت ملی هم پارچه؛ گفتمان دو سویه و چند سویه

در ادامه مباحثی که تا به حال ارائه گردید در این گفتار سعی می‌شود تا با ارائه یک الگوی مناسب، هویت ملی در ایران تقویت شود. لذا در ابتدا سعی خواهد شد به چند نظر به خصوص نظرات نگارندگان درباره هویت ملی اشاره شود. و سپس نظریه این دانش پژوهان ارائه خواهد شد. به نظر عبدالکریم سروش، در حال حاضر بین هویت و واقعیت تفاوت وجود دارد. آدمی تنها موجودی است که هویتش می‌تواند با واقعیتش فرق داشته باشد و معنای الیناسیون^۱ (بیگانه شدن با خود) همین است. در توضیح این تفاوت سروش مدعی است که هویت آدمی در گروهی آگاهی اوست اما واقعیت انسان در گروه آگاهی‌اش نیست. از این بالاتر که هویت واقعیت را نیز به دنبال خود می‌کشد و رفته رفته آن را عوض می‌کند. «تحلیل از واقعیت انسان به دست زیست‌شناسان است، اما هویت انسانی جز با تحقیق در فرهنگ انسانی آشکار نمی‌شود. بی‌جهت نیست که آدمی را با تلقین و تعلیم می‌توان عوض کرد یا درمان نمود؛ چرا که همه چیز در گروه آن است که آدمی چه هویتی بیابد و از خود و از نقش منزلت و غایت خود چه تصویری داشته باشد. عده ای هویت را به مثابه بر ساخته ایدئولوژیک مورد تامل قرار می‌دهند. از دیدگاه اینان ایدئولوژیها این خاصیت را دارند که نگاه آدمیان را به نقطه‌ای خاص و واحد معطوف می‌دارند و دایره هویتشان را تحدید و تعیین می‌کنند و اگر دانسته‌هایشان را محدود می‌کنند، در عوض هویت شان را محفوظ می‌دارند» (سروش، ۱۳۷۵).

۱. Alienation

الف) نظریه هویت گفتمان

نگارنده گان در نظریه خود با نام «هویت گفتمانی» به دنبال راه کاری برای حل بحران هویت ملی می باشند. سه مفروض اساسی نگانده گان در این نظریه عبارتند از:

۱- تاکید بر جایگاه رفیع کرامت انسانی و احترام به انتخاب او؛
۲- قبول کثرت در لایه های هویتی و بازنمایی هویت بی همتای شخصیتی هر فرد یا مجموعه انسانی است؛

و ۳- اختیار فرد یا جمع انسانی در پذیرش یا ارائه تعریفی از کیستی خود (سیف زاده: ۲۵).
در این روش گفتمانی، شیوه کار بر اینست که «فضای متناقض» بین لایه های هویتی ذهن را تسلیم «گفتمان دیالکتیکی» برخاسته از فضای زیست نمی کند. به عکس، انسان مدبرانه به جای ظهور «گفتمان دیالکتیکی» به ظهور «گفتمان تناظری» یاری می رساند. در این روش، بر آنیم که از تناقض بین «فضای ذهنی» با «فضای زیست» به فضای متناظر زبانی لازم در خصوص کمند و یا کمین هویت برسیم. با تاکید بر تناظر به جای تقابل، این فضا بوجود می آید که افق نگاه ها به وسیعترین حد از در برگیری برسد.

شرایطی که در آن این نظریه می تواند شکل بگیرد به شرح ذیل می باشد:

۱- انطباق گرا کردن ساختار هندسی هرم، جهت گنجاندن هر دو جلوه ریشه ای (مستعد اسطوره) و دستاوردی انسان در قاعده چند لایه و منشورهای چند بعدی؛
۲- جایگزین کردن نگاه کثرتگرایی همپارچه خواه و یا همپارچه گر کثرت خواه به جای وحدت گرایی سنتی و مدرن. علت اینست که هم وحدت گرایی سنتی که با تابوگرایی ایجاد می شود، و وحدت گرایی مدرن با قدسیت قاهره بخشیدن به دولت، هویت و شخصیت انسانی را نفی می کردند؛

۳- امکان به کارگیری مفهوم بسته بندی اشتراوس برای همپارچه سازی لایه های متکثر هویت،
۴- جدایی لایه هویتی ملت از نهاد غیریت ساز و سرکوبگر دولت و قرار دادن آن بر طیفی فردی- اجتماعی از هویت، که یک سر آن فرد و سر دیگر آن جامعه جهانی است؛
۵- ارائه ایدئولوژی میهن پرستی جهانوطنی به جای ملی گرایی غیریت ساز، و بالاخره،
۶- گفتمانی دانستن هویت به شکل نگاه، در تصویر زیر: (همان)



در این نگاه مدنی، تفرد ملازم با نگاه فردگرائی لیبرالی و یا کثرت گرائی مدنی است. در نگاه نگانده گان هر دو جلوه ریشه‌ای- اسطوره ای هویت مورد توجه قرار گرفته است. لایه‌های اسطوره‌ای در قاعده و لایه‌های دستاوردی در منشورهای فزاینده-کاهنده از هویت ظهور می‌کند. فضای زیست تنها عاملی است که در دو نقش اسطوره‌ای و دستاوردی ظهور دارد. از سوئی انسان محصور در زندان زیست است. از سوی دیگر، دستاوردهای هر دقیقه از زندگی فرد، سازنده فضای زیست است.

به رغم وجود هر دو دسته از عناصر اسطوره ای و یا پرتاب شده به سطح فضای زیست فرد و یا ازسوی فرد به فضای زیست برساخته، معنادار بودن هویت نیازمند آنست که یا فرد و گروه اجتماعی کمند هویت تمهید شده را بپذیرد، و یا در کمین تعریفی خود- بافته از هویت خویش بنشیند (همان).

ب) نظریه گفتمان ملت-دولت؛ حقوق شهروندی و هویت ملی

نگارنده گان به دنبال ارائه مدلی جدید برای سر و سامان دادن به هویت ملی در ایران با رعایت حقوق شهروندان هستند. مهم ترین تفاوت این مدل با نظریه قبلی در خصوص نقش دولت است همان طور که در قبل مطرح گردید، در نظریه گفتمانی هویت با کنار گذاشتن دولت

به‌عنوان یک ابزار سعی می‌شود بین لایه‌های مختلف هویتی انسان گفتمان برقرار شود تا بدین صورت از سرگشتگی‌های هویتی جلوگیری شود. اما در مدل اخیر گفتمان اصلی بین دولت و گروه‌ها و بخصوص گروه‌ها از یک سو و بین خود این گروه‌ها از سوی دیگر است. بنابراین تفاوت دوم این مدل با مدل قبلی در این است که گفتمان ارائه شده یک گفتمان تنها چند سویه نیست بلکه هم‌گفتمانی دوسویه (بین دولت و گروه‌های سرزمینی است) و هم‌گفتمانی چند سویه (بین خود گروه‌ها، اقوام و... در یک واحد سرزمینی) می‌باشد.

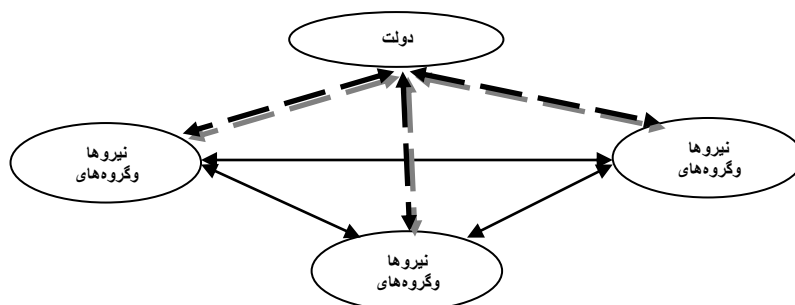
برای اینکه بهتر بتوان این نظریه را در ایران ارائه داد به شرایطی که می‌توان چنین نظریه‌ای را پیاده و اجرای کرد اشاره می‌شود:

- ۱- وجود دولتی دموکراتیک با مسئولینی که به صورت دموکراتیک انتخاب می‌شوند.
- ۲- وجود فرهنگ کثرت‌گرایی و تحمل عقاید طرف مخالف. در این باره مولوی می‌گوید:
سخت‌گیری و تعصب خامی است تا جنینی کار خون‌آشامی است
- ۳- ارائه تعریفی تمهید‌گرا از هویت خویش و پذیرش آن، نه پذیرش تعریف تمهید شده. یا به قول مولوی:

جرم خود را بر کسی دیگر منه هوش و گوش خود بدین پاداش ده
جرم بر خود نه که تو خود کاشتی با جزا و عدل حق کن آشتی

- ۴- پذیرش دولت ملی از سوی نخبگان گروه‌های مختلف اجتماعی و بخصوص گروه‌های دینی و قومی.
- ۵- برخورد برابر دولت مرکزی با تمام گروه‌های اجتماعی به مبنای عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.
- ۶- توان برابر قانونی، اقتصادی و... گروه‌ها و اقوام برای پیشرفت در همه عرصه‌ها بخصوص در رسیدن به مسوولیت‌های بالای حکومتی.
- ۷- عدم اتحاد اقوام یا گروه‌های اجتماعی با دولت‌های بیگانه در صورت بروز اختلافات داخلی.

۸- عدم سرکوب نیروهای اجتماعی از سوی دولت مرکزی در صورت شکل گرفتن اعتراضات مسالمت آمیز با این توضیحاتی که در مورد شرایط وقوع این نظریه می توان صورت کلی آن را به شکل زیر ارائه کرد.

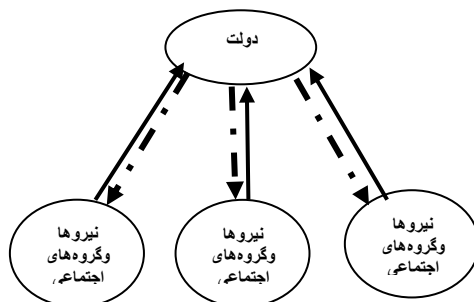


همان طور که در تصویر بالا ملاحظه می شود دولت در این الگو نه تنها بین تمامی گروه های اجتماعی رابطه ای سالم مبتنی بر یک گفتمان کثرت گرایانه برقرار می کند بلکه خود نیز به صورتی برابر و عادلانه با این گروه ها ارتباطی برقرار می کند. برای عملی شدن این روابط علاوه بر مسائلی که در بالا اشاره شد و فضای که این گفتمان برای برقراری بدان نیاز دارد ما نیازمند یک رفتار دموکراتیک هم از سوی دولت و هم از سوی گروه ها و گروه های اجتماعی هستیم. بدین صورت که هم دولت اجازه دهد که این گروه ها در تصمیم گیری ها و انتخاب مسوولان سهیم باشند وهم اینکه این گروه ها بایستی به جای برقراری یک رابطه تقابلی، به مشارکت سیاسی در زیر لوای قانون اساسی تن در دهند. برای اینکه بتوان گفتمان حاضر را بهتر نشان داد در ادامه سعی می شود تا دو گفتمان دوسویه و چند سویه جدا گانه توضیح داده شود.

الف) گفتمان دو سویه

در ابتدا گفتمان دو سویه بین دولت و گروه‌های اجتماعی از گروه‌های قومی و مذهبی گرفته تا دیگر گروه‌های بزرگ و کوچک، را مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این گفتمان گروه‌ها (گروه‌های قومی و مذهبی و....) با مشارکت فعالانه در انتخابات و تصمیم‌گیری‌های مهم حکومتی سرنوشت خود را رقم خواهند زد. آنها ضمن انتخاب مسوولین دولتی، تصمیمات آنها را نیز زیر ذره بین خود قرار می‌دهند. در این وضعیت دولت نه به‌عنوان یک بازیگر بلکه به‌عنوان داوری است که می‌تواند بازی بین بازیگران عرصه اجتماع را کنترل نموده و از سرگشتگی آنها جلوگیری می‌نماید. در حالتی که دولت خود به‌عنوان یک بازیگر وارد جریان بازی شود. عرصه اجتماع به‌صورت ناعادلانه به نفع گروه‌های خواهد چرخید که دولت یا خود را متعلق به آنها می‌داند و یا آنکه با آنها اتحاد استراتژیک دارد.

نمودار این نوع گفتمان دو سویه را می‌توان به صورت ساده در زیر ملاحظه کرد.



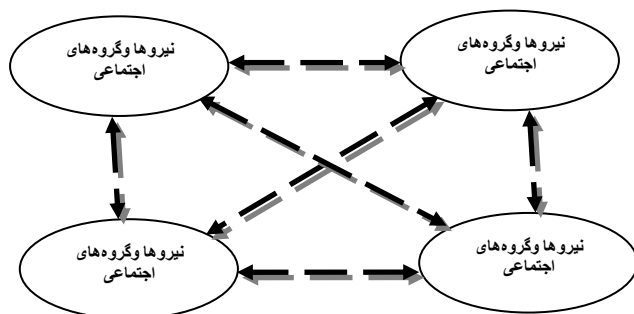
شرایط تحقق چنین وضعیتی موارد زیر می‌باشد:

- ۱- وجود فرهنگ کثرت‌گرایانه و دموکراتیک در جامعه به همراه یک نظام سیاسی دموکراتیک؛
- ۲- برقراری حاکمیت قانون: مطابق با اصل حاکمیت قانون دولت باید در محدوده مشخص شده به وسیله‌ای قانون عمل نماید...مطابق با این اصل هرگونه عمل حقوقی دولت که مطابق با قانون نباشد غیر قانونی تلقی می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۸: ۳۹۰)؛
- ۳- نقش داوری دولت در منازعات و مبارزات قانونی گروه‌های سیاسی - اجتماعی از یک طرف و پذیرش این نقش داوری از سوی نیروهای اجتماعی از سوی دیگر؛

۴- جایگزین کردن نگاه کثرت گرای همپارچه خواه و یا همپارچه گر کثرت خواه به جای وحدت گرائی سنتی و مدرن.

ب) گفتمان چند سویه

در این گفتمان اقوام و دیگر گروه ها و نیروهای اجتماعی ضمن پذیرش دیگری، با دیدی کثرت گرایانه و با تعریفی تمهید گرا از هویت خویشتن می توانند وضعیتی را به وجود آورند که در آن با عبور از تعریف تمهید شده از هویت به تعریفی تمهید گرا از آن دست یابند و به دور از دخالت های حکومتی به صورتی هم پارچه در فرایندهای اجتماعی و سیاسی نقش آفرین باشند. نموداری که می تواند چنین وضعیتی را نشان دهد در زیر ملاحظه می شود.



اولین شرط تحقق چنین وضعیتی ارائه تعریفی تمهیدگرا از هویت خویش است. با ارائه چنین تعریفی دیگر تعریف تمهید شده نمی تواند مانع از همپارچگی بین آنها شود برای اینکه آنها بتوانند چنین تعریفی از خود ارائه دهند شرایط زیر لازم است:

- ۱- وجود یک نگاه همپارچه گرا به یکی از دو شکل همپارچه گرائی کثرت خواه، و یا کثرت گرائی همپارچه خواه در سطح اجتماعی؛
- ۲- تعهد به نگاه نظری بازتاب گرائی برای ارائه وانموده ای از نگاه انسان به هویت خود؛

۳- فرا رفتن از نگاه گفتمان دیالکتیکی در خصوص دو کشش متناقض تفرد و تجمع و رسیدن به طیفی از گفتمان تناظری (همان).

علت اینکه در این نظریه دولت کماکان عامل اساسی در تقویت هویت ملی به شمار می‌آید این است که برخلاف برخی دیدگاه‌ها نگارندگان بر این اعتقادند که دولت تنها نیروی قدرتمندی است که با استفاده از قوه قهریه می‌تواند نابسامانی‌های را که ممکن است در صورت نبود فرهنگ دموکراتیک رخ دهد، حل و فصل نماید. در بسیاری از موارد ملاحظه می‌شود که به علت نبود فرهنگ کثرت‌گرایانه امکان برخورد بین گروه‌های اجتماعی و بخصوص اقوام وجود دارد. در اینجا این دولت است که می‌تواند از وقوع چنین پدیده‌های جلوگیری به عمل آورد. لذا نظریه ارائه شده کماکان دولت را به عنوان مهمترین عامل و قوی ترین نیرو یا نهاد سرزمینی در برقراری صلح و تقویت هویت ملی برای جامعه می‌داند.

اما از طرف دیگر نباید لزوم توجه بیش از حد به دولت این مجوز را به دولت بدهد تا در هر مورد که بخواهد از قوه قهریه خود آن هم به صورتی ناعادلانه در برخورد با نیروهای اجتماعی استفاده کند. چرا که برخوردهای خشونت بار دولت می‌تواند این احساس را در گروه‌ها به وجود آورد که نمی‌توانند در این سرزمین به حقوق طبیعی خود دست یابند. و چه بسا این گروه‌ها به سمت اتحاد با نیروهای خارجی و حتی دولت‌های بیگانه سوق داده شوند. و در بسیاری از مواقع این گروه‌های مرکز گریز دست به اقدامات خشونت بار علیه تمامیت ارضی یک سرزمین خواهند داد. نمونه این چنین مسائلی را می‌توان در عراق زمان صدام حسین و ایران دوران پهلوی ملاحظه کرد چرا که نه سیاست‌های خشونت بار رضا شاه در «یک‌جانشین کردن عشایر» و نه سرکوب‌گری‌های رژیم بعثی سابق عراق هیچ کدام نتوانستند دولت‌های وقت این دو کشور را در آن چه می‌خواستند به آن دست یابند یاری دهند و در بسیاری از مواقع موجبات برخوردهای خشونت بار بین دولت و گروه‌های قومی گردید.

نتیجه‌گیری

با بر شمردن نیازهای هویتی ایران از جمله نیاز به آزادیهای سیاسی، برابری اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت ملی و مسائل جنسیتی، به این نتیجه رسیدیم که یکی از مهمترین نیازهای فعلی درباب هویت ملی مسائل مربوط به گروه‌های قومی و مذهبی است. با توجه به نیاز هویتی مهمی

که مطرح شد در این مقاله درصدد بر آمدیم تا این نیاز هویتی را از کانال مسائل مربوط به حقوق شهروندی مورد کنکاش قرار دهیم. چرا که بحث در این باره به ناچار ما را به وادی حقوق شهروندی می‌کشاند. بنابراین این مقاله از دریچه حقوق شهروندی به دنبال ارائه راه کاری برای حل مسائل مربوط به هویت ملی و مهمترین بحث آن یعنی حقوق اقوام و مذاهب می‌پردازد. با سیر کلی درباره حقوق این گروه‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از یک سو و مسائل مورد اعتراض این گروه‌ها از سوی دیگر و با توجه به فضای زیستی که این گروه‌ها در آن قرار دارند. راهکاری که این دانش پژوه ارائه داده‌ام این است که با وجود مباحث مهم مربوط به گروه‌ها (که هر چه بیشتر دامنگیر جوامع چند پارچه می‌شود) و بخصوص لزوم توجه به گروه‌های مرکب، دولت این وظیفه را به عهده دارد تا با درایت خود بتواند از حاد شدن این موضوع در ایران جلوگیری نماید.

به تبعیت از مدل «هویت گفتمانی» سیف‌زاده به این نتیجه رسیدیم که دولت به عنوان نهادی کیفی- پمپی، دو کارویژه محافظه کارانه و لیبرالی خویش را در خدمت ملت هم- سرنوشت قرار می‌دهد. از سوئی، دولت در نقش محافظه کارانه خویش به صورت کیفی در می‌آید، که جریان تحولات فزاینده ناشی از جهانی شدن را آنچنان تعدیل می‌کند که تهدیدی برای هویت فرد یا جمع شهروندان نباشد. از سوی دیگر، نقش لیبرالی دولت در خدمت اشاعه حاکمیت فرد و جمع شهروندان ملی به عرصه جهانی می‌شود. در چنین فضائی، دولت به نهادی خدمتگزار ملی تبدیل می‌شود که کارویژه اش بدون تبعیض در خدمت کلیه شهروندانی قرار می‌گیرد، که از قومیت‌ها، نژادها... و ادیان گوناگون تشکیل شده‌اند. با بهره‌گیری از مفاد همپارچه ساز هویت گفتمانی، امکانات لازم ملی برای تعامل فرهنگهای خاص گرایانه چندگانه با فرهنگ فراگیر ملی فراهم می‌آورد. از قبل این تعامل، حقوق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و در یک کلام حقوق شهروندی آنان بر اساس عدالت و انصاف تامین خواهد شد.

لذا با توجه به فضای زیستی که این گروه‌ها در آن قرار دارند و با توجه به اظهار نظرهای که در باره هویت ملی شده، این دانش پژوهان برآنند که با برقراری یک گفتمان دو سویه و چند سویه بین دولت و ملت از یک طرف و بین گروه‌ها و نیروهای اجتماعی از طرف دیگر، می‌توان مانع از برخورد بین دولت و اقوام ایرانی شده و لذا زیر یک پرچم ملی می‌توان به زیستی دائمی ادامه داد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۸۸). **بنیادهای هویت ملی ایرانی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی.
- اشرف، احمد (۱۳۷۸). «هویت ایرانی در بین ایرانیان خارج از کشور»، جلد دوم سنت و تجدد، **بولتن فرهنگی معاونت امور بین الملل وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی**، تهران. پایگاه اطلاع رسانی اهل سنت کردستان:
<http://www.ahlesonatkhabarnameh.blogfa.com/post-۸.aspx>
- پایین ترین نرخ مالیات بر ارزش افزوده در ایران <http://www.rajanews.com/detail.asp?id=۶۳۴۴۷>
- جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۸۶). **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، جلد ۳. تهران: نشر گنج دانش
- دورکیم، ایمیل (۱۳۵۹). **تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه حسن حبیبی. تهران: انتشارات قلم.
- رزازی فر، افسر (۱۳۷۹). «الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران»، **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۵. سال دوم، پائیز.
- رضائی، احمد (۱۳۷۸). «ایرانیان کرد:نگاهی به تاریخ سیاسی، فرهنگی و هویت کردها». **فصلنامه مطالعات ملی**. سال دوم.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۵). «ذهنیت مشوش، هویت مشوش»، **کیان**، شماره ۳۰، اردیبهشت و خرداد. سرانه کار مفید سالانه در ایران، ژاپن و کره جنوبی:
<http://www.hipersian.com/content>
- سیف‌زاده، حسین (بی‌نام). **انسان باشنده و کمند یا کمین هویت گفتمانی بحران هویت در منطقه خزر و رهنمود حکمای ادیب ایرانی در حل آن**.
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). **مدیریت منازعات قومی در ایران**. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
- کامیار، غلامرضا (۱۳۸۵). **حقوق شهری و شهرسازی**. تهران: انتشارات مجد. کتاب واقعیت
<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ti.html>
<http://www.iranjewish.com/essay/essay۰۸.htm>
- لیپست، سیمور مارتین (۱۳۸۳). **دائرة المعارف دموکراسی**، ترجمه کامران فانی و نورالله مردانی. تهران: نشر کتابخانه وزارت امور خارجه.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). مرکز آمار ایران. دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری.
مهرپرور حسین (۱۳۷۸). « قانون اساسی و حقوق ملت»، روزنامه اطلاعات، ۱۸ آبان ماه.
هاشمی، محمد (۱۳۷۸). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان دادگستر.

(ب) منابع انگلیسی

Marshall T.H. and Bottomore, T. (۱۹۹۲). **Citizenship and Social Class**.
Landon: Pluto press.
Tilly, C. (۱۹۹۷). "The Emergence of Citizenship in France and Elsewhere",
International Review of Social History. ۴۰ Supplements ۳.

هویت ملی و حقوق شهروندی در ایران؛ گفتمان دو سویه و چند سویه ملت-دولت
